

## مشکل جدید آلمان

## مهاجرت معکوس

افزایش مهاجرت آلمانی‌ها به خارج، مسؤولان این کشور را به شدت نگران کرده است. در نیمه اول سال جاری میلادی ۶۹ هزار آلمانی کشورشان را ترک کرده‌اند.



تا پیش از این، کشور آلمان به آهن ربای مهاجران معروف بود، به طوری که هزاران مهاجر از کشورهای مختلف به امید یافتن کار و زندگی بهتر، تحت عنوان کارگران مهمان راه این کشور را در پیش می‌گرفتند. اما با سقوط دیوار برلین در سال ۱۹۸۹، نوع دیگری از مهاجرت از ایالات شرقی به سمت ایالات غربی آلمان به راه افتاد، چرا که بخش شرقی آلمان تحت حاکمیت کمونیست‌ها، فقیر و منابع آن کاملاً تحلیل رفته بود. بنابراین شهروندان بخش شرقی از روی ناچاری و برای یافتن کار و اشتغال، سیل آسا به ایالات غربی کشور پناه بردند که نتیجه آن، افزایش بیکاری در سراسر آلمان بود.

اما هم اکنون این روند بر عکس شده و به جای این که خارجی‌ها و شهروندان آلمانی مانند سابق برای یافتن کار و زندگی بهتر به نقاط مختلف این کشور مهاجرت نمایند، شمار آلمانی‌هایی که کشورشان را به این منظور به سمت خارج ترک می‌کنند، به شدت رو به افزایش نهاده است. در سال ۲۰۰۴ بیش از ۱۵۰ هزار شهروند آلمانی خروج خود از کشور را به شهرداری‌های محلی گزارش دادند که بیشترین آمار مهاجرت آلمانی‌ها از سال ۱۸۸۴ بدین سو می‌باشد. آمارهای واقعی قطعاً از این تعداد هم بیشتر است. بدین ترتیب، آلمان که زمانی موتور اقتصادی اروپا به شمار می‌رفت، هم اکنون در حال تبدیل شدن به یک مرکز مهاجرت به خارج است. البته این چرخش وضعیت به لطفه‌ای نغز برای شهروندان آلمانی تغییر شکل داده است، زیرا تا همین اواخر سیاستمداران آلمانی از مهاجرت زیاد خارجی‌ها به کشورشان مدام گله مند بودند، ولی حالا مهاجرت آلمان‌ها به خارج آنها را به شدت نگران کرده است. رولند کُخ، رییس سابق مجلس آلمان که یکبار پیش از این در اثر مخالفت با پیشنهاد سایر نمایندگان به

منظور صدور مجوز تابعیت دوگانه برای اتباع ترک تبار آلمانی، موفق به پیروزی در انتخابات شده بود، گفته است که این یک تحول بسیار خطرناک می‌باشد. این وضعیت حتی باعث نگرانی جدی صاحبان کسب و کار در آلمان شده است. فریتد لودیک گئورگ براون، رییس اتاق بازرگانی و صنعت آلمان در این باره می‌گوید که در حال حاضر جوانان آلمانی اشتیاق بیشتری برای خروج از کشورشان از خود نشان می‌دهند که پیامدهای آن برای اقتصاد آلمان بسیار دردآور خواهد بود.

نگاهی گذرا به آمار مهاجران از آلمان، نشان می‌دهد که در نیمه اول سال جاری میلادی ۶۹ هزار شهروند آلمانی کشورشان را ترک کردند که از این تعداد تنها ۴۷ هزار نفر به وطن بازگشته‌اند. اگر چه خروج ۲۲ هزار نیروی کار فعال از کشوری که ۸۲ میلیون نفر جمعیت دارد، چندان جدی و خطرناک به نظر نمی‌رسد، لیکن به گفته سیمون ایک، مدیر موزه برمر هاون، مهاجرت از آلمان

در حال تبدیل شدن به یک روال عادی است. آثار مخرب این مهاجرت در بلند مدت چهره خود را به شکل فرار مغزها، به اقتصاد آلمان نشان خواهد داد. این در حالی است که بر عکس آلمان، دو کشور آمریکا و سوئد در زمینه جذب مغزها، رتبه‌های نخست جهانی را در اختیار دارند. بر اساس اعلام یکی از سازمان‌های بهداشتی و درمانی آلمان، در حال حاضر ۱۲ هزار پزشک آلمانی در خارج به ویژه انگلیس و سوئد مشغول طبابت هستند. جالب آنکه سال گذشته مهاجران متخصص آلمانی اکثراً برای ادامه کار و فعالیت خود، آمریکا را انتخاب کردند. سومین مقصد کاری پزشکان مهاجر آلمانی، کشور اتریش می‌باشد.

برخی از کارشناسان مسایل اجتماعی معتقدند که وقوع چنین پدیده‌ای آن هم در کشور صنعتی آلمان، ناشی از پدیده جهانی سازی است. بر اساس قانون آموزش عالی کشور آلمان، دانشجویان دانشگاه‌های این کشور حداقل باید یک ترم تحصیلی را در خارج از خاک آلمان بگذرانند. در واقع، همین فرصت تحصیلی موجب می‌شود تا دانشجویان آلمان به یک زبان خارجی دوم تسلط نسبی پیدا کنند. از سوی دیگر، برای افراد ماهر و صاحب فن آلمانی خیلی مهم نیست که در نیویورک و لندن مشغول به فعالیت شوند، یا در مونیخ و برلین. لذا موفقیت آنها در خارج از مرزها موجب تشویق و ترغیب سایر شهروندان آلمانی در پیش گرفتن راه و روش آنها شده است. البته ذکر این نکته هم ضروری است که رکود اقتصادی چند سال اخیر این کشور، باعث تشدید موج معکوس مهاجرت در آلمان شده است. لذا انتظار می‌رود با احیای اقتصادی، این روند به حالت عادی باز گردد.

## افسانه دورادو

## خرده معدنچیان طلا در ونزوئلا، همچنان به محیط زیست منطقه آسیب می‌زنند.

یکبار سر والتر رالی، کاشف انگلیسی در قرن ۱۶ میلادی، در خاطراتش گفته بود که در سرزمینی دور دست در نزدیکی آبشارهایی که دور رود Caroni و Orinoco را به هم پیوند می‌زند، شهری پوشیده از طلا وجود دارد. البته این سراب، عاقبت خوبی را برای آقای رالی رقم نزد، زیرا وی نه تنها اثراتش بلکه جان خود و پسرش را در این راه از دست داد. قرن‌ها از آن زمان می‌گذرد و این شبه‌افسانه و روایای طلایی سرزمین دورادو، تنها عده قلیلی را به مال و مکتب رسانده است، در حالی که این روایا به‌بهای بدیختی و بیچارگی خیلی‌ها تمام شده است. برای مثال، همین چندی پیش سربازان ونزوئلایی شش معدنچی طلا را به جرم حفاری غیر مجاز در این منطقه به قتل رساندند، زیرا بر اساس قانون جدید دولت سوسیالیست هوگو چاوز، هر نوع کاوش معدنی در حوزه رود Caroni ممنوع است. گفتنی است، بر اساس کاوش‌های به عمل آمده، ایالت وسیع جنوب شرقی بولیوار مملو از کانی‌های طلا و الماس می‌باشد. این در حالی است که دولت‌های متوالی ونزوئلا هیچگاه نتوانسته‌اند چارچوبی قانونی برای سرمایه‌گذاری‌های بزرگ در این منطقه ایجاد نمایند. حتی کار در معدن بزرگ Las Cristinas به دلیل همین مانع قانونی، به حال تعلیق درآمده است. به همین دلیل، هزاران خرده معدنچی به صورت غیر قانونی و غیر رسمی در حال کاوش در معادن کوچک منطقه هستند. آنها پیش از آن که به طلا دست پیدا کنند، خسارات زیست محیطی فراوانی را بر جای می‌گذارند. حتی این گروه از معدنچیان، بخش‌هایی از یک جنگل بارانی حاصلخیز را کاملاً نابود کرده‌اند، زیرا آنها حین کاوش از پمپ‌های آب فشار قوی برای مکیدن کانی‌های بستر رودخانه استفاده می‌کنند که همین امر باعث بند آمدن آب رودخانه می‌شود. لازم به ذکر است، این رودخانه تأمین‌کننده اصلی آب دومین سد آبی بزرگ جهان می‌باشد. مقامات ونزوئلایی به معدنچیان پیشنهاد داده‌اند تا برای جلوگیری از وارد آمدن خسارات زیست محیطی بیشتر به منطقه محل کاوش، در کلاس‌های آموزشی که به همین منظور دولت تشکیل داده است، شرکت نمایند. اما سرکردگان معدنچیان می‌گویند آنها برای دست کشیدن از شغل فعلی خود، تا به حال ندیده‌اند که دولت به هیچیک از وعده‌هایش به طور واقعی عمل کند.